

روز گذشته، ۱۲ اردیبهشت ماه همزمان با سالگرداستادشهیدمطهری وروزمعلم، جمعی از معلمان سراسر کشور به دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی رفتند. مشروح بیانات مقام معظم رهبری در حسینیه امام خمینی (ره) به شرح زیر است:
به مناسبت گرامی داشت روز معلم(۱)
بسم الله الرحمن الرحيم
والحمدلله ربّ العالمین والصلّٰة والسلام علی سیدناو نبینّاهای القاسم المصطفی محمّدوعلی اله الطّلیبین الطّاهرین المعصومین سیّما بقیّة الله فی الارضین.
خوشامد عرض می‌کنم به یکایک شما برادران و خواهران عزیز، معلمان و پرورش دهندگان فضیلت وسازندگان آینده کشور. به جامعه معلمین درسراسر کشورسلام عرض می‌کنم، روزمعلم رابه همه معلمان عزیزمان تبریک عرض می‌کنم و یاد معلم بزرگ و شهید، مرحوم آیت الله مطهری را که این روز همیشه با یادایشان همراه است، گرامی می‌دارم. این روز، روز دوازدهم اردیبهشت، برای ما یک فرصت است که عرض اخلاصی بکنیم به جامعه معلمین کشور؛ هم تشکر کنیم، هم عرض ارادت کنیم، هم در حد توان تکریم زبانی از معلمان عزیزمان بکنیم. البته تکریم زبانی کافی نیست، اما لازم است. ومطالبی را هم راجع به مسائل مربوط به آموزش وپرورش عرض کنیم.
«تکریم معلم» که عرض کردیم کار لازمی است، اولاً اینکه «مَن لَمْ یَشْکُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ یَشْکُرِ الْخَالِقَ»؛(۲) همه باید از معلمین شکرگزار باشند. شما هستید که فرزندان ما را تربیت می‌کنید، تعلیم می‌دهید و آنها را برای زندگی دوران عمرشان آماده می‌کنید؛ این کار بزرگی است. همه ملت، یکایک مردم در سراسر کشور، در هر رتبه‌ای، در هر شغلی، باید از معلمین تشکر کنند. نانیا «تشکر از معلم» که بنده اینجا عرض می‌کنم تشکر را، برای تو خه دادن افکار عمومی کشور به اهمیت تعلیم وتربیت واهمّیت معلم است. مشکل بسیاری از مسائل مآشایی از افکار عمومی است؛ اگر افکار عمومی نسبت به یک قضیه‌ای توجیه بشوند، توجّه پیدا کنند، انجام آن کار آسان تر خواهد شد.
ما الان در مسئله آموزش وپرورش مشکلات مادی داریم، مشکلات معیشتی داریم، مشکلات کاری داریم، مشکلات فضای آموزشی داریم؛ اگر افکار عمومی نسبت به این مسئله حسّاس بشود، معلم را بشناسد، قدر معلم را بداند، این در همه این مشکلات اثر خواهد گذاشت؛ ما این را می‌خواهیم. بنده صریحاً وظیفه عمومی را برای تشکر از معلمین عرض می‌کنم، برای اینکه افکار عمومی توجّه به این مسئله پیدا کند.

هرچه شغل معلّمی محترم تر باشد، جاذبه آن بیشتر خواهد شد. اگر یک شغلی در جامعه از احترام عمومی برخوردار باشد، طبعاً جاذبه این شغل بیشتری شود. وقتی جاذبه بیشتر شد، افراد با سطح بالاتری به این شغل روی خواهند کرد؛ جامعه معلمین یک ارتقائی از لحاظ سطح علمی ومعنوی پیدا می‌کند؛ اگر این طو را شد، کشور از لحاظ تعلیم وتربیت ارتقاء پیدا خواهد کرد. ببینید، یک محاسبه روشن است. ما باید کاری کنیم که شغل معلّی در دنیا محترم بشود. این به عهده رسانه هاست، به عهده صاحبان منابر و جایگاه گفتار عمومی است که شغل معلّمی را تعریف کند برای مردم و تمجید کنند.
خب این راجع به معلّم.
اما راجع به آموزش پرورش چرا باید حرف بزنیم؟ برای خاطر اینکه آموزش وپرورش واقعاً یک دستگاهی در دیف دستگاه های دیگر کشور نیست؛ این را باید همه بپذیرند. حالا همین مطلبی که گفتیم «در دریف دیگر دستگاه هانیتس»، این در ذهن خیلی از مردم سؤال ایجاد می‌کند؛ این افکار عمومی که عرض کردیم در اینجا نشان می‌دهد خودش را. «در دریف سایر دستگاه ها نیست». یعنی چه؟ یعنی سایر دستگاه هایه کارگیرنده نیروی انسانی اند، آموزش وپرورش ایجادکننده نیروی انسانی است. ایجادکننده منابع انسانی است؛ بنه، آموزش عالی هم داریم اما پایه اینجا نیست. این دوازده سال را دست کم نباید گرفت. هویت منابع انسانی در آموزش پرورش شکل می‌گیرد. معلم وقتی که در میدان حضور فعال دارد، در واقع دارد هویت سازی می‌کند. شما رفتار تان، گفتار تان، موضع گیری تان، اشاره تان، گاهی در کلاس درخت خبی از مردم کنید، گاهی یک تشری که می‌زنید، همه اینها در مخاطب تان که آن نسل جوانی است که فردا باید تصمیم گیری کند و تصمیم سازی کند در کشور، سازنده است، تأثیر گذار است.

خب [جایگاه] آموزش وپرورش این است: نیروی انسانی و منابع انسانی را آموزش وپرورش تهیه می‌کند؛ و منابع انسانی، بزرگ ترین ثروت هر کشور است دیگر. اگر ما نفت داشته باشیم، معادن داشته باشیم، طلای زیر زمین داشته باشیم، انواع و اقسام ثروت های زیرزمینی را داشته باشیم، هوای خوب، فضای خوب، اما آدم استفاده ندهد؛ نه داشته شویم، آدمی که بتواند از این ها کار بکشد، چه فایده ای دارد؟ آفرینای قرن گذشته منبع بیشترین و برترین ثروت های دنیا بود، آدمی که از اینها استفاده کند نداشت، اروپایی ها از این فرصت استفاده کردند اما مندیدر افریقا را در آورند، ثروت اش را جمع کردند بردند.
الاهمّیت منابع اقتصادی این است؛ این منابع انسانی را آموزش وپرورش درست می‌کند. در کشور ما، مثل همه جای دیگر، امنیتمان، پیشرفتمان، همه ارزش های انسانی و اسلامی مان احتیاج دارند به نیروی انسانی؛ به منابع انسانی احتیاج دارند؛ این منابع انسانی و آموزش وپرورش درست می‌کند. پس درباره آموزش وپرورش خیلی باید صحبت کرد. خیلی باید حرف زد، خیلی باید کار کرد.

چند کلمه در باب آموزش وپرورش بر این اساس عرض می‌کنم. البته بیانات آقای وزیر بیانات بسیار خوبی بود؛ خیلی هایش را نظیر بود به تذکراتی که قبل از آمدن شده. الحمدلله پیشرفت هایی که ذکر کردند، پیشرفت های مهمّی است؛ بعضی از آنها را مادر گزارش هایمان هم داشتیم که حالا ممکن است اشاره کنیم.

چند کلمه در باب آموزش وپرورش عرض می‌کنم.

چند کلمه کوتاه هم در باب انتظار از معلمان، و انتظاراتی که از جامعه معلمین کشور هست، عرض خواهم کرد.
در باب آموزش وپرورش چند سرفصل را من ذکر می‌کنم. یک سرفصل که از همه مهم تر است، مسئله «تحول» است، که آقای وزیر اشاره کردند. مادر گذشته، چند سال این سند تحول را گذاشتیم در کشور، درش را هم بستیم! هیچ تحرّکی انجام نگرفت، [لذا] ضرر

بدهد! اما این کافی نیست؛ بحث سرب این است. معاونت پرورشی یکی از مهم ترین بخش های آموزش وپرورش است. البته امروز معاونت پرورشی مشکلاتی دارد؛ حالا کمبود منابع مالی و نگاه های مختلف [هست اما این بخش] باید تقویت بشود.
اولین کار معاونت پرورشی این است که از ایجاد ورواج وشبوع آسیب های اخلاقی واجتماعی در میان خود جوانها جلوگیری کند. بنده می‌خواهم پیشنهاد کنم



رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از معلمان تبیین فرمودند:

شغل محترم معلّمی

کردیم. آن چندسالی که سند تحول جدّی گرفته نشد، پیشرفتی پیدا نکرد، ضرر کردیم.
خب حالا بحمدالله شنیدم که سند، هم مورد بازنگری قرار گرفته، که رويه اتمام است و در حال نهایی شدن است. هم «نقشه راه» برای اجرای آن آماده شده، که اینها همه مهم است. بخصوص این نقشه راه برای اجرای سند خیلی مهم است؛ بدانیم این سند را چه جوری بایستی عمل کنیم که در تمام سطوح آموزش وپرورش اثر خودش را ببخشد؛ این خبر خوبی است. نگذارید وقفه ایجاد بشود و کار را به طور جدّی پیش ببرید.

در همه مراحل هم، از عناصر نخبه استفاده بشود. هم در داخل آموزش وپرورش نخبگانی هستند، نظراتی دارند، هم در مبرون آموزش وپرورش کسانی هستند که کار با رزی هم در آموزش وپرورش ندارند اما فکر دارند، نظر دارند؛ از نظرات این ها استفاده بشود. و این سند روز به روز باید بیشتر و بهتر ترمیم بشود؛ یعنی امروز شما سند را پرور کردید، ممکن است دو سال دیگر، سه سال دیگر نیاز داشته باشد که سند پرور بشود؛ چون تحولات سریع است. [لذا] از این ها استفاده بشود. این سرفصل اول، سرفصل تحول.

سرفصل دؤم، مسئله توانمند سازی معلمان است. توانمند سازی دو جور است: یکی از لحاظ مسائل معیشتی ومادّی و مانند این ها است؛ این همیشه مورد تأکید ما بوده، ودولت در حد امکاناتش تلاش لازمی را در این زمینه باید انجام بدهد؛ این البته به جای خود محفوظ، کار لازمی است وبایستی هر چه ممکن است در این زمینه تلاش کرد. اما توانمند سازی یک بُعد دیگر هم دارد که می‌خواهم روی آن تکیه بکنم؛ و آن عبارت است از اینکه معلّم از نیروی معنوی خود، یعنی آن عشقی که به طور طبیعی به تعلیم و به تربیت در درون وجود انسان هست استفاده کند، و از معلومات لازم و نیازهای لازم و تجربه های لازم استفاده کند برای اینکه کار معلّی را قووم بدهد؛ قوام یافتگی کار معلّم. اینکه عرض کردیم شما انسان می‌سازید، نیروی انسانی را و منابع انسانی را شما تولید میکنید، این صرفاً با رفتن سر کلاس و آن صفحات معیّن کتاب را درس دادن حاصل نمی‌شود؛ اگر چه آنها هم لازم است، اما صرفاً آن نیست. وقتی وارد کلاس می‌شویم، به عنوان یک مسئول، به عنوان یک کسی که ما اختیار این جمع و آینده این جمع را در دست داریم، ما می‌خواهیم برای او آینده ترسیم کنیم، باین نیت، باین روحیه، باین انگیزه، باین فهم از معلّمی وارد کلاس بشویم. این عرض ماست؛ توانمند سازی این [جور] است.

خب، اگر ما بخوایم جامعه معلمین به سطح تراز [یعنی] همین سطحی که عرض کردم برسند، طبعاً باید مراکز تربیت معلّم را تقویت کنیم که خب اشاره کردند. بنده هم مکرر راجع به دانشگاه فرهنگیان و مراکز تربیت معلم توصیه کرده‌ام. تأکید کرده‌ام، باز هم تأکید می‌کنم؛ دست کم نباید گرفت؛ این جاها خیلی مهم است. و در واقع دانشگاه فرهنگیان [جای] تربیت مربیان نسل جدید کشور است؛ بنابراین اهمیت خیلی زیادی دارد. این هم یک مسئله.

سرفصل سوّم، مسئله معاونت پرورشی است. یک برهه ای از زمان این فکر را اثناء کردند که معاونت پرورشی اصلاً لازم نیست؛ چرا؟ منطقشان هم این بود که می‌گفتند پرورش به وسیله خود معلم باید انجام بگیرد. این حرف درستی است؛ کار معلّم فقط تعلیم نیست؛ خود معلم باید تربیت هم بکند، پرورش هم

مرجع تقلید، به آن مدرّس بزرگ. در جامعه معلمین، الگو ها چه کسانی هستند؟ باید معرفی بشوند. نهاد آموزش وپرورش نگاه کنند معلّمینی را که از لحاظ شاخص های معلّمی یک برجستگی ای دارند، در سراسر کشور پیدا کنند. مثلاً فرض بفرمایید معلّمی هست که خوب تدریس می‌کند، تدریس برجسته ای دارد. معلّمی هست که زمان طولانی ای از عمر خودش را در تعلیم صرف کرده؛ ما معلّمینی را سراغ داشتیم تعداد

دانش آموز خودش را جزئی از یک مجموعه، از یک کل احساس کند؛ بداند اینکه دارد حالا درس می‌خواند، این جزئی از یک حرکت جمعی و عمومی است، قطعه ای از مجموعه پیشرفت کشور است؛ این را به دانش آموز باید اقاء کرد؛ البته خود معلّم قبل از دانش آموز باید این را در خودش احساس کند. این توصیه ما به معلمین است؛ بدانید این کلاس شما یک نقطه جد افتاده از مجموعه نیست؛

مرجع تقلید، به آن مدرّس بزرگ. در جامعه معلمین، الگو ها چه کسانی هستند؟ باید معرفی بشوند. نهاد آموزش وپرورش نگاه کنند معلّمینی را که از لحاظ شاخص های معلّمی یک برجستگی ای دارند، در سراسر کشور پیدا کنند. مثلاً فرض بفرمایید معلّمی هست که خوب تدریس می‌کند، تدریس برجسته ای دارد. معلّمی هست که زمان طولانی ای از عمر خودش را در تعلیم صرف کرده؛ ما معلّمینی را سراغ داشتیم تعداد

کمی، تعداد انگشت شماری - که پنجاه سال معلّمی کرده بودند، شصت سال معلّمی کرده بودند؛ خیلی مهم است؛ این یک الگوست. معلّمی که در مناطق دشوار معلّمی می‌کند؛ دو چرخه را سوار می‌شود می‌رود مثلاً فرض کنید که فلان منطقه دور، برای پنج شاگرد یاده شاگرد درس می‌دهد و برمی‌گردد.

معلّمی که با انواع و اقسام ناراحتی های درونی و داخلی و جسمی و روحی کار تعلیم و تربیت را رها نمی‌کند و برای آن اهمیت قائل است؛ اینها قهرمانند؛ این افراد روابط نامناسب اخلاقی و خیلی چیزهای دیگر که نمی‌خواهم اسم بیاورم. معاونت پرورشی بایستی به این ها برسد. یکی دیگر از مسائلی که مربوط به معاونت پرورشی است، تبیین مصالح بنیادی کشور ونظام جمهوری اسلامی است؛ این ها باید تبیین بشود، به جوان ها گفته بشود. اگر این میلیون ها جوان ونوجوانی که ما در آموزش وپرورش، در مدارس داریم، مصالح بنیادی نظام را بشناسند، مصالح کشورشان را بشناسند، جبهه ی دوست و دشمن کشورشان را بشناسند، مسائل اساسی مورد نیاز کشورشان را بشناسند، دیگر تبلیغات دشمنان و این همه تلاش میلیاردری ای که دشمنان برای تبلیغات و گمراه کردن افکار عمومی کشور دارند انجام می‌دهند، خنثی خواهد شد. اگر نوجوان ما در این زمینه پیشگیری بشود و از لحاظ فکری به تعبیر رایج وا کسینه بشود، این تبلیغات دشمنان خنثی خواهد شد.

جوان کشور بداند که آن مؤلفه های مصالح کشوری چیست و منطقی که پشت سرش هست چیست؛ این هم مهم است. حالا مثلاً فرض کنید که راجع به آمریکا، مثلاً شعاری دهند «مرگ بر آمریکا»؛ خب جوان شعار می‌دهد، اما باید بداند که چرا «مرگ بر آمریکا» می‌گوید، چرا می‌گوینم «مرگ بر رژیم صهیونیستی»؛ این را باید بفهمند و منطّقش را بدانند. چرا می‌گوینم ما با فلان دولت، فلان کشور، حاضر نیستیم ارتباط برقرار کنیم؛ علت چیست؟ این عقلانیتی که پشت سر این مصالح کلی هست، بایستی دانسته بشود. این هم یک سرفصل که سرفصل مربوط به معاونت پرورشی بود.

یک سرفصل دیگر مسئله غلبات مدیریتی در آموزش وپرورش است. آن طو ر که به بنده گزارش کرده اند، در سال های طولانی گذشته، ما به طور متو سط هر دو سال یک وزیر داشته ایم؛ هر دو سال یک وزیر را خب دیگر تکلیف این دستگاه معلوم است چه می‌شود؛ تا بیایند یک کار اساسی را شروع کنند، باید وزیر بروند؛ وقتی وزیر رفت، مجموعه مدیریتی زیر نظر او هم تغییر پیدا می‌کند، کار اساسی به جایی نمی‌رسد. بنده تأکید دارم بر ثبات مدیریت؛ از مدیریت های سطح بالا تا سطح متوسط، باید ثبات پیدا کند تا بشود برنامه ها دنبال کرد. این هم یک سرفصل که این البته، هم ناظر به درون آموزش وپرورش است، هم بیرون آموزش وپرورش.

یک سرفصل دیگر که این هم به نظر بنده مهم است،

الگو سازی در جامعه معلمین کشور است. شما مجموعه جامعه معلمین در سراسر کشور، الگوهای معلمینان چه کسانی هستند؟ ما در رشته های دیگر الگو داریم؛ مثلاً در ورزش، قهرمان ها الگویند؛ در هنر، مثلاً هنرمند های برجسته الگویند؛ در عالم تعلیم دینی و روحانیت، یک گروهی برجسته اند و الگوی برای دیگران هستند؛ طلبه نگاه می‌کند به

کلاس شما یکی از خانه های این جدول است. این

کلاس شما یکی از خانه های این جدول است. این

کلاس شما یکی از خانه های این جدول است. این

کلاس شما یکی از خانه های این جدول است. این

مدرسه یک مهارت آموزی ای انجام بگیرد. حالا گزارش مؤسسه هایی که مربوط به آموزش آفتی ومانند این چیزها هستند؛ اگر چنانچه این کار در خود مدارس عادی کشور انجام بگیرد. به نظرم می‌رسد که این، پیشرفت خیلی بزرگی پیدا خواهد کرد. این انتظارات ماست؛ البته معلمین عزیزمان خوب کار می‌کنند، بسیاری از آنها هم به این انتظارات بدون اینکه ما بگوییم پاسخ می‌دهند اما [این ها] باید در جامعه ی معلمین عمومیت پیدا کند.

امروز مسئله غرّه، مسئله اول دنیا است؛ یعنی در سطح بین المللی، صهیونیست ها و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی شان هر کار هم می‌کنند که مسئله غرّه را از دستور کار افکار عمومی دنیا خارج کنند نمی‌توانند. خب نگاه کنید به این دانشگاه های آمریکا؛ امروز باز در خبر ها می‌خواند م که چند دانشگاه دیگر اضافه شدند؛ (۵) در استرالیا، در کشورهای مختلف اروپایی. یعنی ملّتها نسبت به مسئله غرّه حسّاسند؛ این مسئله، مسئله اول دنیا است. نباید بگذاریم این مسئله از نگاه عمومی بین المللی مردم دنیا و از این مسئله اول بودن، خارج بشود؛ باید فشار روی رژیم صهیونیستی روز به روز افزایش پیدا کند.

یک نکته ای وجود دارد که خوب است مورد توجّه قرار بگیرد. خب، امروز همه دنیا دارند می‌بینند رفتار رژیم صهیونیستی را؛ سی و چند هزار کشته در ظرف ۶ ماه که از میان این ها، اقلّ نصفشان زنان و کودکانند؛ این چیز کمی نیست، این قدر بی رحمی، این قدر وحشی گری چیز کوچکی نیست که این سگ هار، به جان کودکان فلسطینی و مریضها و پیران و زنان بیفتد، خب، این یکی از چیزهایی است که موضع همیشگی جمهوری اسلامی را برای مردم دنیا ثابت کرد؛ حقانیت این موضع همیشگی جمهوری اسلامی ایران ثابت شد؛ چرا؟ که چرا ده ها سال است که در جمهوری اسلامی می‌گویند: «مرگ بر رژیم صهیونیستی»؛ [این موضع حق] ثابت شد. به همه دبانشانان داده شد که حق با جمهوری اسلامی است، حق با ملت ایران است؛ [چون این رژیم] ذات شریرو خبیث خودش را در این امتحان بزرگ نشان داد. حقانیت جمهوری اسلامی ثابت شد.

نکته بعدی، رفتار آمریکا است. شما ملاحظه کنید آمریکایی ها و دستگاه های مرتبط با آن ها با مخالفت زبانی با اسرائیل چه معامله ای دارند انجام می‌دهند! دانشجویان دانشگاه های آمریکا، نه تخریب کردند، نه شعار تخریب دادند، نه کسی را کشتند، نه جایی را آتش زدند، نه شیشه ای را شکستند، [ولی] این جور دارد با آن ها رفتار می‌شود. این رفتار آمریکایی ها هم حقانیت موضع جمهوری اسلامی را در بدبینی به آمریکا نشان داد؛ یعنی در واقع شد پشتوانه همین «مرگ بر آمریکا» که شما می‌گویید؛ نشان داد به همه که آمریکا شرک جرم است. یک حرفی هم می‌توانست یک وقتی بزنند به عنوان مثلاً دلسوزی و مانند این ها، [اما] دروغ است، خلاف واقع است، آنچه انسان مشاهده می‌کنند در عمل، نشان دهنده همراهی و همدستی آمریکا در این جرم بزرگ، این نگاه نابخشوندی با رژیم صهیونیستی است. این ها شرک جرمند. چطور می‌شود انسان نسبت به یک چنین نظامی، نسبت به یک چنین رژیمی خوش بین باشد، یا به حرف او اعتماد بکند؟ چطور ممکن است؟ خب این که یک مطلب.

مطلب بعدی در زمینه این مسئله جاری فلسطین است. به نظر ما تا وقتی که فلسطین به صاحبان خودش برنگردد، مشکل غرب آسیا حل نخواهد شد. اگر بیست سال دیگر، سی سال دیگر هم تلاش کنند که این رژیم را سرپا نگه دارند - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن ها رژیم خودشان را، نظام خودشان را تشکیل بدهند، بعد آن نظام تصمیم بگیرد که با صهیونیست ها چه جوری معامله کند؛ بپذیرد یا نه؟ یا نگهشان دارد؛ تصمیم را آن ها بگیرند؛ این راه حلی است که این رژیم را سرپا نگه دارد - که آن شاء الله نمی‌توانند هم این کار را بکنند مشکل حل نخواهد شد. مشکل آن وقتی حل می‌شود که فلسطین برگردد به صاحبان خودش، یعنی مردم فلسطینی. فلسطین متعلق به مردم فلسطین است که در بین آن ها مسلمان هست، مسیحی هست، یهودی هست؛ فلسطین مال آن ها است؛ فلسطین را به آن ها برگردانند، آن